

ایران در نخستین سده‌های اسلامی

نییره خداداد شهری

کارشناسی ارشد مطالعات آرشئولوژی دانشگاه الزهراء

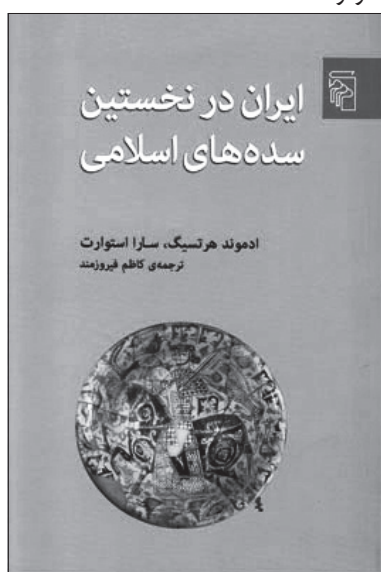
اشاره

یکی از مشخصات تاریخ ایران تقسیم‌بندی روشن و محسوس آن به دوره‌های مجزا و بزرگی است که هر یک از آنها به سهولت از دیگری متمایز می‌شود و کیفیت خاص خود را آشکار می‌سازد. حتی در هزاره‌های اول نیز هر یک از دوره‌های تاریخی به نوبه خود بر اثر یک سقوط ملی به پایان رسیده یا آغاز شده است. بر طبق همین میزان نیز باید واقعه نفوذ آن طبقه قدیمی قوم آریایی را که نام خویش، یعنی «اران» را به این سرزمین داده است، در نواحی شمالی به نظر بیاوریم؛ زیرا این واقعه‌ای است که به همراهی پیدایش دین زرتشت برای اولین بار به این فلات سیمای تاریخی مفهومی بخشیده است و بدین منوال بر سر کار آمدن دولت‌های مادی و هخامنشی نیز نشانه یک دگرگونی اساسی و عمیق محسوب می‌شود. از تمام اینها روشن‌تر عصری است که با شروع حمله اسکندر مقدونی آغاز گشت. در این مورد عنصر خارجی نیروی دولت را در دست می‌گرفت و می‌خواست در زمینه فرهنگی نیز داعیه رهبری خود را به موقع به اجرا درآورد. انقراض دولت اشکانیان و استقرار فرمانروایی ساسانیان (در سال ۲۲۴ تا ۲۲۶ میلادی) به یک تحول در عمق ایرانیت، حتی در قسمت زبان منجر گردید و این تحول توانست همدست با تجدید حیات دین زرتشت در برابر مسیحیت و مانویت ایستادگی نماید.

غلبه تازیان مسلمان بر سرزمینی که ایرانیان در آن مسکن گزیده بودند در چهارچوب وقایع تاریخی ایران، به هیچ‌وجه مسئله تازه و غیرقابل‌تصور نبود. قبل از قوم تازی، اهالی مقدونیه و یونانیان همراه با اسکندر توانسته بودند به عنوان بیگانه ایران را تسخیر کنند و بعد از آن نیز ملت ایران توانسته بود دوباره داعیه ملیت و فرهنگ خود را محقق سازد. بر این تشابهات وقایع تاریخی جهانی که بین حمله اسکندر و تازیان و همچنین استقلال ملی و فرهنگی ایران بعد از هجوم یونانیان و تازیان مشهود است نیز یک سلسله خصوصیات خاص اضافه می‌شود که به وضع جالبی در طی این دو حادثه تاریخی تکرار می‌گردد. در زمان حمله اسکندر نیز مانند حمله تازیان، هجوم دشمن از طرف مغرب به وقوع پیوست و آن موقع نیز مانند این دفعه پادشاه ایران به دست قاتلی از پای درآمد. همچنین در هر دو واقعه فاتحان تنها تا سرحدات مرکزی پیش رفتند و موقتاً در همان جایی که ایران عهد ساسانیان در جنگ‌های طولانی خود با هیاطله و ترک‌های مهاجم از قلمروی فرهنگ و تمدن خاور نزدیک دفاع می‌کردند توقف نمودند.

با تمام این احوال هجوم تازیان برای ایرانیان بیش از تمام مصائب ملی قبل و بعد آن حائز اهمیت بوده

هرتسیگ، ادموند؛ استوارت، سارا؛
ایران در نخستین سده‌های اسلامی؛
ترجمه کاظم فیروزمند؛ تهران: نشر
مرکز؛ ۱۳۹۴، ۲۲۶ صفحه.



خاستگاه خاندانی و نحوه انتصاب آنان به حکومت سمرقند آغاز می‌شود. سپس تسخیر و ورودان و اقداماتی را که برای تحکیم مرزهای جدید و حفاظت از راه‌های تجاری که موجب رونق و شکوفایی ناحیه انجام شد، به اختصار شرح داده می‌شود. در فرجام سخن به مسئله رنسانس ایرانی پرداخته می‌شود.

۲. خوب، بد، زیبا: بقای مفاهیم اخلاقی ایران باستان در قصه‌های عامیانه فارسی بعد از اسلام / اولریش مارزلف (دانشگاه گنورگ - آگوست، گوتینگن). در این مقاله ابتدا جایگاه قصه‌گویی در ایران پیش از اسلام بررسی شده است. نویسنده قصد دارد در این مقاله نگاه دقیق‌تری به برخی داستان‌های ایرانی دوره اسلامی داشته باشد، درباره شخصیت‌هایی مرتبط با آن مفاهیم اخلاقی که نهایتاً به سنت‌های پیش از اسلام پیوند می‌خورد.

۳. هنر ایرانی اواخر عهد باستان / آنگ گرابار (انستیتوی مطالعات پیشرفته، دانشگاه پرینستون). در این مقاله هنرهای جایی را که می‌توان در فاصله تقریباً اواخر قرن ششم تا قرن دهم ایران نامید، از روی ویژگی‌های آنچه در سراسر اوراسیا اواخر باستان نامیده می‌شود بررسی شده است. همچنین نویسنده سعی خواهد کرد نشان دهد که بی‌توانی و خلأ در اطلاعات ما و نقایص روش شناختی بعدی در تفکر پژوهشی ممکن است تا حدی مسبب دشواری‌هایی باشد که در بررسی این قرون در جهان ایرانی با آنها روبرو شده است.

۴. آیسندبادنامه افسانه آفرینش زروانی است؟ / محسن ذاکری (دانشگاه گنورگ - آگوست، گوتینگن). در این مقاله ابتدا صورت ساده‌شده اسطوره زروانی ذکر می‌شود، سپس آن اسطوره با داستان پایه سندبادنامه فارسی مقایسه می‌شود.

۵. نخستین مورخان فارسی‌زبان و میراث ایرانی پیش از اسلام / اندرو پیکاک (دانشگاه سنت اندروز). در این مقاله با بررسی بعضی از آثار عمده تاریخی نوشته‌شده در این دوره به اصطلاح «میان‌پرده ایرانی» تعبیر و کارکردهای مختلف تاریخ ایران باستان آشکار می‌شود.

۶. اندرنامه در ایران قرن دهم و اوایل قرن یازدهم و نثر فارسی قدیم / لوئیز مارلو (کالج ولزلی). قابوس‌نامه، سیرالملوک و نصیحة‌الملوک از بسیاری جهات متونی استثنایی‌اند و به عنوان نمونه‌های نثر سلیس و اغلب دلپذیر جایگاهی خاص در تاریخ ادبیات فارسی دارند. با این همه متمایز بودن آنها نباید تاریخچه قدیم‌تر پندنامه‌نویسی در ایران را پوشیده دارد. متون قرن یازدهم از عدم به وجود نیامد و ظهورشان پایان وقفه ادبی متعاقب نگارش آخرین اندرزه‌های ساسانی را رقم زد. این مقاله در تلاش برای روشن ساختن این تاریخچه، ادبیات پندآمیز پدید آمده در شرق ایران در قرن دهم و اوایل یازدهم را بازمی‌گشاید.

۷. نمایش قدرت در هنر و معماری ایران اوایل دوره اسلامی / جان‌تاتان

است؛ چه اینکه ایرانیان در آن موقع برای اولین و آخرین بار در طول تاریخ خویش کانون و قلب تمام فرهنگ‌های شرق و بلکه تمام تمدن آن زمان را در دست داشتند، ولی پس از حمله تازیان مذهب خود را رها ساختند تا به تعالیم پیغمبر اسلام (ص) بگروند و بدین ترتیب این حادثه بزرگ که در قرن هفتم میلادی در تاریخ ایران رخ داد، مهم‌ترین واقعه تاریخی به شمار آمده و برای تاریخ ممتد و طولانی این ملت و مملکت میزان اساسی سنجش واقع گردید.

این بخش «ایران میانه» و «ایران نو» را از هم جدا می‌سازد. یک چنین تجدیدی ظرف یکی دو روز ممکن نیست. ملت ایران نیز قرون متمادی وقت لازم داشت تا بتواند شخصیت مجدد خود را بیابد و منزلتی در بین ملل مسلمان به دست آورد.^۱

معرفی اثر

فصل‌های این مجلد بر اساس مقاله‌های عرضه‌شده در دو سمپوزیومی است که در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ در مجموعه ایده‌ی ایران در لندن برگزار شد و هر دو به دوره اولیه اسلامی در تاریخ ایران می‌پرداخت. مقالاتی که در این کتاب گرد آمده است، به رشته موضوعاتی در تاریخ سیاسی، فرهنگی و دینی این دوره می‌پردازد و این موارد و موارد دیگری را روشن می‌سازد و امکان آن را می‌دهند که درکی متنوع‌تر از تحولات سیاسی، هنری، دینی و ادبی این عصر مهم کسب کنیم.^۲

همه فصل‌های این مجلد با وجود تنوع زیاد موضوعات، به یک مضمون مشترک می‌پردازد: تأثیر آن مفاهیم و جهان‌بینی‌های پیش از اسلام که ضربه فتوحات عرب را از سرگذراندند و تلفیق فرهنگی مستولی بر ایران پیش از مغول را پروراندند. دامنه نفوذ گذشته باستان را می‌توان به صورت‌های بسیار گوناگونی مشاهده کرد: پایداری فارسی محاوره‌ای در مقام زبان میانجی شرق ایران؛ تشریفات دربارهای خلافتی و سلطنتی؛ تبارشناسی‌های شاهنشاهان ساسانی که بر تخیل شاعران و فرمانروایان، هر دو حاکم بود. حتی اشیای پیش‌پافتاده زندگی روزمره. چون درهم نقره که اندازه و ابعاد و جنسش بازمانده مستقیم در اخم ساسانی بود. همه حاکی از کیفیت دیرپای فرهنگ ایرانی است.^۳

کتاب حاضر شامل یک مقدمه کوتاه از ویراستاران و ده مقاله از نویسندگان مختلف است که در ادامه مقالات به صورت اجمالی معرفی می‌شوند.

۱. سامانیان: نخستین سلسله دوره اسلامی در آسیای مرکزی / لوک تردول (مرکز پژوهشی خلیلی و موزه آشمولیان). این مقاله با بازسازی

۱. ایشپولر، برتولد؛ تاریخ ایران در قرون نخستین (جلد اول)؛ تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹، ص ۱-۴.

۲. ایران در نخستین سده‌های اسلامی، ص ۲-۳.

۳. ایران در نخستین سده‌های اسلامی، ص ۴.

سخن پایانی

از بین تمام عواملی که در تاریخ باعث تزلزل بنای قوم ایرانی گشته است، هجوم و ورود مسلمانان عرب به این سرزمین (نیمه اول قرن هفتم میلادی) بزرگ‌ترین دگرگونی را با خود آورده؛ چون تأثیر آن از همه عمیق‌تر بوده تا به امروز پایدار است. تحولی که بر اثر آن به وجود آمد، سرآغاز مهم‌ترین و قاطع‌ترین بخش تاریخ ایران را تشکیل می‌دهد.^۴ پس از استقرار دین اسلام در سرزمین ایران که در نتیجه پیروزی اعراب مسلمان بر ساسانیان و فتح ایران توسط آنها روی داد، تحولات بسیاری در عرصه‌های اجتماعی، مذهبی و سیاسی ایران به وجود آمد. ایران دوره اسلامی از آغاز حمله عرب‌ها به ایران در سال ۶۴۲ م. و روی آوردن ایرانیان به اسلام تاکنون را شامل می‌شود. عرب‌ها در سال ۲۱ تا ۲۲ ق. سپاه ساسانیان را در نبرد قادسیه و نبرد نهاوند شکست دادند. مردم ایران که از ستم و فساد دوران پایانی حکومت ساسانی رنج می‌بردند، از خود مقاومت چندانی نشان ندادند. آنان پیام برابری و عدالت اسلام را به گوش جان شنیدند، به پیروی از این دین توحیدی روی آوردند و باعث شکوفایی آن شدند. در این دوره تحول‌های بزرگی در ایران و جهان اسلام رخ داد.

استیلای مسلمانان بر ایران به سادگی نبود. شهرها زودتر پذیرای سلطه مسلمانان شدند، ولی دهات به سادگی به حکومت ایشان تن ندادند. نقاط شرقی ایران و نیز طبرستان و گیلان دیرتر از نواحی غربی به تصرف مسلمانان درآمدند. آنان مجبور می‌شدند که یک محل را بارها فتح کنند.

ایرانیان که از تبعیض طبقاتی موجود در کشورشان ناراضی بودند، اسلام را پذیرفتند و در اشاعه آن کوشیدند، ولی با این حال هرگز در طول تاریخ ایران مخالفت خویش را با سلطه امویان و عباسیان بر خاک ایران پنهان نکردند و جنبش‌های استقلال طلبانه‌ای را به پا ساختند که تشکیل حکومت‌هایی چون طاهریان (۸۸۱-۸۲۶ م) و صفاریان (۹۰۳-۸۶۶ م) را می‌توان از نتایج آنها برشمرد.

بلوم (کالج بوستون و دانشگاه کامنولث ویرجینیا). غلبه سپاهیان عرب مسلمان در سال ۶۳۲ میلادی با تسخیر تیسفون در عراق امروزی آغاز شد. ساسانیان همیشه از هنر و معماری حمایت کرده بودند. حکومت عرب در قرن هشتم و نهم به ظهور نهادهای جدیدی چون مسجد انجامید و کانون قدرت از ایران بزرگ به پایتخت‌های خلفا در جاهای دیگر انتقال یافت. در عین حال بخش اعظم ثروتی که در ایران تولید می‌شد به شکل مالیات و خراج در خارج به دمشق، بغداد و سامرا سرازیر شد. این انتقال کلان ثروت در اوایل دوره اسلامی در ایران به نظر می‌رسد معدود حمایت‌کننده و اندک پولی برای حمایت از معماری و هنر باقی گذاشته باشد. سپس در این مقاله هنر و معماری ایران در اوایل دوره اسلامی بررسی قرار شده است.

۸. کاخ بلند قابوس بن وشمگیر / ملانی میکائیلیدیس (دانشگاه کالیفرنیا، دیویز). بقعه رفیع موسوم به گنبد قابوس تنها اثر بزرگ معماری بازمانده از سلسله زبیری است که در ناحیه گرگان در شمال ایران از سال ۹۲۷ تا ۱۰۹۰ م حکومت می‌کردند. این بنای باشکوه در سال ۳۹۷ ق. به دست قاموس ابن وشمگیر حاکم زبیری ساخته شد. این مقبره‌سازی نه فقط یادبود خود حکام به شیوه‌ای بسیار خاص و قابل رؤیت بود، بلکه بُعد معماری یک برنامه وسیع‌تر مشروعیت بخش در سیاست، هنر و عرصه‌های دیگر را شکل می‌داد. این نوع بررسی جزئی یک زمینه محلی که در این مقاله صورت می‌گیرد در عین حال که مغایر با مفاهیم ماهیت‌نگری است که در مطالعه معماری مقبره‌های اولیه اسلامی همواره مطرح می‌شود، زمینه غنی‌تری فراهم می‌سازد تا به واسطه آن بتوان بناهای خاصی را فهم کرد و ارزیابی متنوع‌تری از تحولات معماری در طول زمان صورت داد.

۹. اقتدار و هویت در کتاب‌های پهلوی / آلن ویلیامز (دانشگاه منچستر). ایده‌ای که نویسنده در اینجا بر آن تمرکز می‌کند، منسجم‌ترین بیان کلامی خود را در کتاب‌های پهلوی پیدا می‌کند و همین پایه استدلال دفاعی در برابر ادیان رقیبی چون یهودیت، مسیحیت و اسلام در ایران جدیداً اسلامی شده بود. با وجود این ایده‌ای هم هست که ابعاد اخلاقی، فلسفی، اجتماعی و سیاسی پیدا می‌کند.

۱۰. ایده ایران در سرزمین‌های آل بویه / روی پرویز متحده (دانشگاه هاروارد). در آغاز قرن دهم میلادی جنگاوران سترگ نیزه‌دار در کرانه‌های خزر، این سرمنشأ هویت ایرانی، شروع به بنیان‌گذاری سلسله‌هایی در فلات ایران کردند. موفق‌ترین این جنگاوران بوییان بودند که از ناحیه دیلم می‌آمدند. از قرن هفتم تا نهم فتح ولایات کرانه خزر به دست مسلمانان هرگز کامل نشد و در بیشتر موارد موقتی بود. نویسنده در این مقاله از بوییان دیلمی سخن خواهد گفت که ری، اصفهان، شیراز، بغداد و بصره را در تصرف داشتند. نویسنده آل بویه را احیاکنندگان سنت پادشاهی ایرانی می‌داند.

۴. اشیپور، برتولد؛ تاریخ ایران در قرون نخستین (جلد اول)؛ تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹، ص ۱۱.

تاریخ ادبیات فارسی

(جلد ۱۸، پیوست ۲) ادبیات شفاهی زبان‌های ایرانی

سارا شفیق زاده گروسی

کارشناسی ارشد ادبیات فارسی

اشاره

تاریخ ادبیات هر قوم نمایانگر هویت آن قوم است. وجود تاریخ ادبیات خوب و قابل اعتماد در یک تمدن، نشان از غنای ادبی و روشمندی پژوهش‌های ادبی و فرهنگی در آن تمدن است. با وجود این پیشینه نگارش تاریخ ادبیات به مفهوم امروزی، به حدود یک قرن پیش بازمی‌گردد و در ایران پیشینه کهن ندارد. شگفت آن است که نخستین نویسندگان تاریخ ادبیات ایران ایرانی نبودند و تا قبل از نگارش مطالب این‌گونه بیشتر در تذکره‌ها، فرهنگ‌ها، فهرست‌ها و تاریخ سلسله‌های حکومتی قابل مشاهده بود. تاریخ ادبیات نویسی به مفهوم امروزی آن به دنبال تحول در ساختار اجتماعی و فرهنگی، همراه با سایر تحولات ادبی، تحت تأثیر پژوهش‌های مستشرقان به ویژه ادوارد براون، از مشروطه (۱۲۸۵) به بعد در ایران شروع شد.

برخی از مهم‌ترین تاریخ ادبیات‌های نوشته شده در ایران عبارتند از:

۱. شعر العجم شبلی نعمانی، دانشمند و ادیب نامدار هندی به زبان اردو در ۵ مجلد.
۲. تاریخ ادبیات فارسی هرمان اته که از اولین آثار تحقیقی ایران‌شناسان غربی درباره ادبیات فارسی است.
۳. تاریخ ادبی ایران؛ ادوارد براون (۱۹۰۲ تا ۱۹۲۴) که از آثار نسبتاً جامع در موضوع خود است.
۴. تاریخ ادبیات یان ریپیکا (۱۹۶۸ م)
۵. تاریخ ادبیات فارسی، برتلس

در کنار آثار ایران‌شناسان، محققان ایرانی نیز آثاری در تاریخ ادبیات فارسی نگاشته‌اند که برخی از آنها به قرار زیر است:

۱. تاریخ ادبیات ایران، رضا زاده شفق (۱۳۲۰ ش)
۲. تاریخ ادبیات فارسی، محمد حسین فروغی
۳. تاریخ ادبیات ایران، جلال الدین همایی.
۴. تاریخ ادبیات در ایران، ذبیح‌الله صفا (۱۳۳۲ تا ۱۳۵۸) که مهم‌ترین تاریخ ادبیات فارسی نگاشته شده است.

در سال‌های اخیر تاریخ ادبیات موضوعی نیز در ایران نگاشته شده است؛ مانند تاریخ تطور شعر فارسی از ملک‌الشعرا بهار، سخن سخنوران فروزانفر و... که این آثار بیشتر تا زمان مشروطه را شامل می‌شود و پژوهش‌های بعدی در این زمینه مربوط به یک دوره خاص یا موضوع خاص در تاریخ ادبیات فارسی است.

تاریخ ادبیات فارسی (جلد ۱۸، پیوست ۲) ادبیات شفاهی زبان‌های ایرانی؛ احساس یارشاطر؛ تهران: سخن، ۱۳۹۴.

تاریخ ادبیات فارسی

زیر نظر دکتر احسان یارشاطر
جلد هجدهم (پیوست ۲)

ادبیات شفاهی زبان‌های ایرانی

کردی، پشتو، بلوچی، اسی، فارسی و تاجیکی

ویراستاران انگلیسی

فیلیپ کریستوک، اوریخ مارزلف

ویراستاران فارسی

سید احمد رضا قائم‌مقامی، غلامحسین کریمی‌دوستان

درباره یارشاطر

احسان یارشاطر در فروردین ماه ۱۲۹۹ خورشیدی در یک خانواده بهایی اهل کاشان در همدان متولد شد. وی تحصیلات ابتدایی را در دبستان های همدان و کرمانشاه و تحصیلات متوسطه را در دبیرستان های شرف و تربیت و دانشسرای مقدماتی به پایان رساند. احسان یارشاطر دانش آموخته دوره دکترای رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تهران و دانش آموخته دوره دکترای زبانشناسی ایران در مدرسه مطالعات مشرق‌زمین در دانشگاه لندن است.

احسان یارشاطر در طول این سال‌ها به تدریس در دانشگاه کلمبیا و تأسیس کرسی مستقل ایران‌شناسی در آنجا پرداخت. وی در سال ۱۳۳۲ پس از بازگشت به ایران، ضمن تدریس در دانشگاه تهران، به سمت دانشیاری زبان و ادبیات فارسی و همچنین زبان‌های باستانی ایران منصوب شد. از دیگر خدمات ارزنده وی می‌توان به تأسیس و مدیریت «بنگاه ترجمه و نشر کتاب» اشاره کرد. این بنگاه افزون بر انتشار ادبیات خارجی، متون فارسی، ایران‌شناسی و خواندنی‌های کودکان و نوجوانان، اصول ویراستاری را نیز در ترجمه‌ها معمول کرد. از کتاب‌هایی که در بنگاه ترجمه و نشر کتاب منتشر می‌توان به «دانشنامه ایران و اسلام» و «فهرست کتاب‌های چاپی فارسی» اشاره کرد.

از مهم‌ترین فعالیت‌های یارشاطر، کار بر روی دانشنامه ایرانیکا بود. دانشنامه ایرانیکا بزرگ‌ترین و جامع‌ترین پروژه ایران‌شناسی، درباره تاریخ، فرهنگ، هنر و جامعه ایران است که با تلاش و مدیریت استاد احسان یارشاطر تأسیس شد. کار تدوین این دانشنامه به سال ۱۳۴۷ برمی‌گردد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی این کار به دلیل قطع بودجه مدتی متوقف شد. یارشاطر در این زمان ناچار شد برای تأمین مخارج انتشار دانشنامه، موزه شخصی هنرهای اسلامی خود را بفروشد.

تألیف دوره هجده جلدی تاریخ ادبیات فارسی زیر نظر یارشاطر از دیگر خدمات وی در سال‌های اخیر است که پژوهش‌نویسی در حوزه تاریخ ادبیات به شمار می‌آید. یارشاطر شخصیت ستیژی در عرصه ایران‌شناسی است. بیش از نیم قرن است که نام فرهنگ و ادب ایران با نام او گره خورده است. استاد «احسان یارشاطر» امروز بدون وقفه، با وجود مشکلات بسیاری که برای انتشار آثار خود در ایران دارد، مشکلات را از سر راه برداشته تا ادب و فرهنگ فارسی را بیش از هر زمانی به جهانیان بشناساند.

درباره کتاب تاریخ ادبیات فارسی

با توجه به اهمیت و جایگاه فرهنگ و ادبیات فارسی، به‌ویژه آشناکردن خوانندگان معاصر غرب با آثار ادبی ایران، نوشتن تاریخی روزآمد و مفصل در زمینه ادبیات نیازی ضروری بود. از طرفی توجه به تأثیر ادبیات و فرهنگ ایرانی بر ادبیات سرزمین‌های شرقی جهان اسلام، مانند تأثیر ژرف بر ادب عثمانی و ادب مسلمانان هند و ترکان آسیای صغیر، ضرورت نیاز به تدوین چنین کتابی را دوچندان می‌کرد. همچنین بررسی آثار ادبی یک فرهنگ سبب می‌شود اطلاعات مناسبی در رابطه با دیگر جنبه‌های آن فرهنگ نیز در اختیار ما قرار گیرد. تاریخ ادبیات فارسی تازه‌ترین کتاب در سرگذشت چند قرن شعر و ادب فارسی است که با تلاش «بنیاد فرهنگ ایرانی» و «مرکز مطالعات ایران‌شناسی» و دانشگاه کلمبیا، با شرکت گروهی از بهترین ایران‌شناسان غیرایرانی و معدودی ایران‌شناسان ایرانی نوشته شده است. موضوع کتاب افزون بر تاریخ ادبیات فارسی، شامل بخش‌ها و بررسی‌های جدیدی است که تا پیش از این در نگارش تاریخ ادبیات به صورت جامع و یکجا مسبوق به سابقه نبوده است. از این رو می‌توان وجه تمایز کتاب حاضر نسبت به آثار پیش از خود را در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. جامع بودن به لحاظ تاریخی. (از زمان ایران باستان تا زمان حاضر)

۲. کتاب تنها به بیان تاریخ ادبیات ایران در مرزهای جغرافیایی کنونی نپرداخته، بلکه به بیان تاریخ ادبیات فارسی‌زبانان خارج از ایران و تاریخ ادبیات زبان‌های ایرانی غیر فارسی نیز پرداخته است.

شفاهی زبان‌های ایرانی غیر فارسی: کردی، پشتو، بلوچی، آسی است که برای جامع‌تر کردن این جلد فصل‌هایی راجع ادبیات شفاهی فارسی و تاجیکی به آن اضافه شده است. نویسندگان دلیل نامگذاری این جلد را به ادبیات شفاهی این‌طور بیان کرده‌اند: «از آنجا که ادبیات این زبان‌ها، حداقل تا قرن بیستم، عمدتاً صورت شفاهی داشت، این جلد ادبیات شفاهی زبان‌های ایرانی نامیده شد»^۱. همه این زبان‌ها به نوعی متأثر از زبان فارسی بوده‌اند، همین نکته بررسی این زبان‌ها را در تاریخ ادبیات فارسی توجیه می‌کند. از طرفی روایات ادبی «عالی»، «عامیانه» و «شفاهی» در مناطق ایرانی زبان با هم پیوستگی نزدیکی دارند و در عین حال هرکدام قواعد خاص خود را دارند که بررسی آنها می‌تواند شناخت ما را از ویژگی‌ها و کارکردهای ادبیات افزایش دهد.

در این جلد دو حوزه پژوهشی گنجانده شده است:

۱. ادبیات عامیانه و شفاهی در گونه‌های مختلف زبان فارسی

۲. تمام سنن ادبی کردها، پشتوها، بلوچ‌ها و آسی‌ها.

نویسندگان در ادامه معرفی ادبیات شفاهی و عامیانه این زبان‌ها، در حوزه اول، بر این باورند که جنبه‌های شفاهی و اصطلاح عامیانه یا عامه دو امر مجزا هستند و نباید ذیل هم به کار روند. اول اینکه باید گفت هر فرهنگ شفاهی فرهنگ عامیانه نیست. دوم اینکه تجربه فرهنگ‌های عمدتاً شفاهی نشان می‌دهد وقتی که نوبت به بررسی فرهنگ شفاهی می‌رسد، تمایز میان تاریخ، ادبیات و انتقال دانش مذهبی که در مورد فرهنگ نوشتاری «عالی» نمایان است و تا حد کمتری در مورد فرهنگ نوشتاری عامه نیز صادق است، نیاز به ارزیابی اساسی دارد.

اهمیت مجلد حاضر زمانی درک می‌شود که متوجه روابط پیچیده بین ادبیات «عامیانه» و ادبیات «عالی» شویم، همین‌طور شاهد شبکه‌ای از روابط بین ادبیات زبان‌هایی که با زبان فارسی در ارتباط‌اند هستیم. نیز اهمیت پژوهش حاضر در مطالعات شرق‌شناسی است؛ زیرا بررسی فرهنگ‌های عامیانه در آثار مختلف، اطلاعات مهمی درباره حال و هوای یک جامعه و فضای زندگی که موجب ایجاد آن می‌شود به دست می‌دهد و همین امر باعث ایجاد امکانات تازه‌ای در حوزه پژوهش‌های ایرانی می‌شود. اهمیت این موضوع در مجلد حاضر این‌گونه بیان شده است: «نمودهای این فرهنگ‌های کوچک‌تر که در عین حال بسیار هم متفاوت هستند، مانند فرهنگ کردها، پشتوها، بلوچ‌ها باید در غرب بیشتر شناخته شوند، به‌ویژه به این دلیل که در نهایت ممکن است جامعه خود ما را هم تحت تأثیر قرار دهد»^۲.

در واقع برای اولین بار است که در یک مجموعه فصل‌هایی با بررسی ادبیات «عالی» و ادبیات «عامیانه» پشتوها، کردها، بلوچ‌ها و آسی‌ها، فصل‌هایی درباره ادبیات عامیانه و شفاهی در ایران، تاجیکستان

۱. صفحه ۳۰، مقدمه.

۲. صفحه ۳۶، مقدمه.

۳. ترکیب دو شیوه «در زمانی» و «هم زمانی» در تألیف کتاب که باعث می‌شود نتیجه بررسی جامع‌تر باشد.

۴. پرداختن به داستان و نمایشنامه‌های جدید. این امر زمینه‌ساز مطالعات وسیع و نیز ایجاد نقد ادبی در این حوزه می‌شود.

۵. بررسی تاریخ‌نگاری فارسی. این امر جزء لازم هر بررسی جامعی در ادبیات فارسی است و سبب تحلیل سبک‌ها، شیوه‌ها و عوامل تغییر آن می‌شود.

کتاب تاریخ ادبیات فارسی در هجده جلد (شانزده جلد اصلی و دو جلد پیوست) تدوین شده است. عناوین مجلدات یادشده به شرح زیر است:

جلد اول: مقدمه‌ای کلی بر ادب فارسی.

جلد دوم: شعر فارسی در دوره کلاسیک، قرن سوم تا نهم ق. (قصیده غزل، رباعی)

جلد سوم: شعر فارسی در دوره کلاسیک، قرن سوم تا نهم ق. (مثنوی، مسمط، ترجیع‌بند و ترکیب‌بند، قطعه هجو، شهر آشوب).

جلد چهارم: حماسه

جلد پنجم: نثر فارسی

جلد ششم: ادبیات دینی و عرفانی

جلد هفتم: شعر فارسی، قرن دهم تا چهاردهم.

جلد هشتم: شعر فارسی بیرون از ایران.

جلد نهم: نثر فارسی بیرون از ایران. (در این دو جلد به شبه‌قاره هند، آناتولی، آسیای مرکزی پس از تیمور پرداخته شده است.)

جلد دهم: تاریخ‌نگاری ایرانی.

جلد یازدهم: ادبیات اوایل سده چهاردهم.

جلد دوازدهم: شعر نوین فارسی (ایران، افغانستان، تاجیکستان)

جلد سیزدهم: قصه و نمایشنامه.

جلد چهاردهم: زندگی‌نامه شاعران و نویسندگان کلاسیک.

جلد پانزدهم: زندگی‌نامه شاعران و نویسندگان عصر جدید؛ اصطلاحات ادبی.

جلد شانزدهم: نمایه کلی

جلد هفدهم: پیوست اول: ادبیات ایران پیش از اسلام.

جلد هجدهم: پیوست دوم: ادبیات شفاهی زبان‌های ایرانی غیر فارسی: کردی، پشتو، بلوچی، آسی؛ ادبیات شفاهی فارسی و تاجیکی.

جلد هجدهم کتاب تاریخ ادبیات فارسی، ادبیات شفاهی

زبان‌های غیر ایرانی

در این جلد که با عنوان پیوست دوم ارائه شده به ادبیات زبان‌هایی پرداخته شده است که ایرانی‌اند، ولی فارسی نیستند و به نوعی با زبان فارسی در ارتباط هستند. این زبان‌ها یا سابقه تاریخی با زبان فارسی دارند یا تحت تأثیر زبان فارسی‌اند. موضوع این مجلد: ادبیات

و بخش‌های دری زبان افغانستان و پژوهش‌های ژرف‌تری در گونه‌های مهم ادبی ارائه می‌شود و برای نخستین بار در تاریخ ادبیات، شاهد اثری هستیم که به بیان ادبیات شفاهی پرداخته است.

علاوه بر این‌ها، پژوهش در حوزه‌های کمابیش ناشناخته در این نوع از مطالعات، سبب کشف روش‌های پژوهشی جدید توسط دانشمندان شده است. همین امر سبب مرتب‌کردن، توصیف و پیدا کردن اطلاعات فراوانی شد که تاکنون بدون بررسی باقی مانده بود. در واقع چون ادبیات عامیانه ماهیت ترکیبی دارد، جدا کردن عناصر غیرایرانی در این نوع از پژوهش‌ها سبب دستیابی به عناصری می‌شود که سازنده فرهنگ ایرانی است. برای مثال در صفحه ۴۷ مجلد حاضر آمده: «ایران در بین راه هند و اروپا قرار دارد و پژوهشگران معتقدند هند سرچشمه بسیاری از داستان‌های عامیانه است. این داستان‌های عامیانه در راه گذارشان ناچار از ایران گذشته‌اند. از این گفته چنین برداشت می‌شود که این داستان‌ها، هم بر سنت ایرانی تأثیر گذاشته‌اند و هم اینکه معیارهای رایج در ایران به آنها شکل و الگوی دوباره بخشیده‌اند».^۳

مجلد هجدهم تاریخ ادبیات فارسی در سیزده فصل تدوین شده است. در این فصل‌ها به طور مجزا به بیان ادبیات شفاهی کردی، ادبیات پشتو، ادبیات بلوچی و ادبیات آسی می‌پردازد. ذیل هر فصل راجع مذهب، آیین‌ها، ادبیات مکتوب کهن و جدید، پیشینه تاریخی و ادبی این زبان‌ها، اشعار، آثار و نام‌آوران فرهنگ و ادب در این زبان‌ها به طور کامل و جامع پرداخته شده است.

در فصل‌های نهم، دهم و یازدهم به بیان ادبیات عامیانه فارسی، نقالی و قصه‌خوانی حرفه‌ای ایرانیان، شالوده فرهنگ و ادبیات مذهبی عامیانه پرداخته شده است. نویسندگان در دو فصل آخر به ادبیات عامیانه تاجیک و ادبیات شفاهی و عامیانه در زبان فارسی دری افغانستان پرداخته‌اند و ذیل این فصل‌ها انواع گونه‌های شفاهی و نمونه‌هایی از این زبان‌ها ارائه می‌شود.

هر فصل شامل مطالب خواندنی، همراه با ارائه منابع دسته اول و قابل استناد است، به‌ویژه نمونه‌هایی که برای ادبیات عامیانه فارسی ارائه و تحلیل‌هایی که از داستان‌ها و شعرهای عامیانه انجام می‌شود جای تأمل و پژوهش دارد. در پایان هر بخش با یک نتیجه‌گیری کلی به بیان چشم‌اندازهای این گونه‌ها پرداخته می‌شود. گفتنی است دلیل اختصاص ندادن فصلی به شعر عامیانه نواحی مختلف ایران، «نبودن منابع کافی و متخصصینی توانمند برای پرداختن به چنین موضوعی تا این حد گسترده و بزرگ است».^۴

همین‌طور نکته‌ای که در فصل‌های مربوط به ادبیات عامیانه کردی جلب توجه می‌کند، نوع آوانگاری در این زبان است. از آنجا که در این مجلد درباره چند زبان نوایرانی غیر از زبان فارسی صحبت می‌شود همیشه امکان پایبندی کامل به قواعد آوانگاری نبوده است. البته نشانه‌های زیر و زبری در کتاب‌نامه و ضمیمه رعایت شده است، ولی در فصل‌های مربوط به زبان کردی مشکلات خاص آوانگاری با توجه به زبان کردی وجود داشت. به دلیل فراهم‌نشدن نظامی منسجم و جامع برای فصل مربوط به ادبیات نوشتاری زبان کردی، ویراستار این بخش، فلیپ کرینیورک به خود اجازه داده تا اقدامی غیرمعمول برای آوانویسی نام‌های زبان کردی بکند. در متن‌هایی که مربوط به دوره پیش از سال ۱۹۳۰ است، نظام آوانویسی معیار و در جاهای دیگر نظام هاوار به کار گرفته شده است، مانند: c/چ / x/غ / و /خ / و در جاهای دیگر همان kh, ch و ... ترجیح داده شده است.

گفتنی است اثر کنونی پژوهشی است که در حد امکان موضوعات و چارچوب ادبیات عامیانه را شناسایی و مستند کرده است. بررسی علمی و جدی ادبیات عامیانه ایرانی، راهی برای شناخت فرهنگ ایرانی است؛ فرهنگی که در آثار مکتوب و شفاهی بر جا مانده است.

۳. برای نمونه می‌توان به کلیله و دمنه ابوالمعالی نصرالله منشی اشاره کرد.

۴. صفحه ۳۸؛ مقدمه.

خشونت مشفقانه

روایتی از مردسالاری دوران ناصری

فاطمه یاقوتی

کارشناس ارشد تاریخ تمدن

اشاره

تاریخ اجتماعی زنان و مطالعه نقش و تصویر زن در جامعه ایران از طریق بررسی ادبیات تعلیمی امکان پذیرتر از بررسی ادبیات حماسی، غنایی یا عرفانی است. ادبیات تعلیمی به دلیل رویکرد آن به جامعه و توجه نویسنده به رابطه انسان با محیط و تأکید بر قراردادهای اجتماعی در قالب زمان و مکان مشخص و الگوهای رفتاری و طرح دیدگاه‌های نویسنده به صورت اندرز، آموزش، توصیه، انتقال تجربه و نشان دادن تصویری واقعی از طبقات مختلف جامعه و روابط آنها با یکدیگر می‌تواند در حوزه جامعه‌شناسی یکی از بهترین مآخذ در شناخت مسائل مربوط به زن در جامعه ایران باشد. از آنجا که ادبیات اندرزی، تعلیمی بازگوکننده افکار و ذهنیت مردان این قوم در گذشته‌هاست، ما را به راحتی به ساحت فکری، نوع ارتباط و روحیه مردان ایرانی نزدیک می‌کند تا نظام خانواده، شیوه زندگی، نوع رفتار، روابط زن و مرد و وضعیت اجتماعی زن ایرانی را به خوبی درک کنیم.

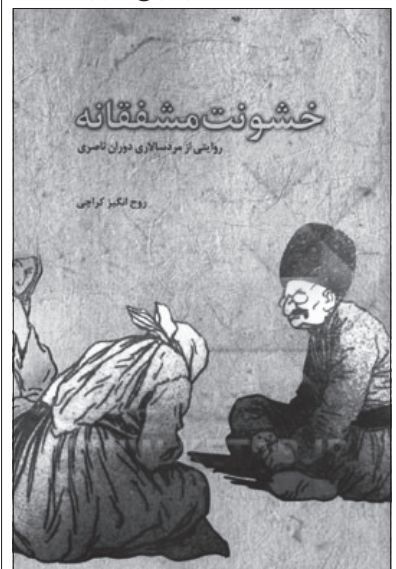
در دوره ناصری روسیه و انگلیس بر سر گرفتن امتیاز و دخالت در اوضاع کشور رقابت می‌کردند. خرابی و فساد و ظلم هر روز بیشتر و اقتصاد کشور ضعیف‌تر می‌شد. اصلاح‌طلبان و روشنفکران به حکومت استبدادی اعتراض کردند و سنت‌گرایان و مدافعان حکومت به مقابله برخاستند. این چالش‌ها در فضای ایران آن روز جامعه سنتی را از یکپارچگی درآورده و ایران به مرحله تازه‌ای قدم گذاشت؛ تغییرات اندکی که در اوضاع اجتماعی، فرهنگی دوره ناصری به وجود آمد، بر ادبیات نیز تأثیر گذاشت، سبک نثر رو به ساده‌نویسی گذاشت و شعر مدحی از رونق افتاد.

در چنین بستر سیاسی، فرهنگی، به تدریج در نوشته ایرانیان خارج از کشور نیز سخن از ضرورت تربیت و آموزش زنان پیش آمد و ایرانیان داخل کشور نیز تلاش کردند تا با روش تعلیمی به ارائه راهکارهایی برای تربیت زنان و دختران بپردازند، اما استنباط برخی از نویسندگان و رجال حکومتی در تربیت زنان همان سنت واپس‌گرای غیرانسانی محدودکننده بود، با اندکی سلیقه غربی وارداتی که ظاهر زنانه را طوری دیگر می‌خواست.

گزارش اجالی کتاب

دکتر روح‌انگیز کراچی که خشونت مشفقانه به کوشش ایشان به ثمر نشسته، شش دست‌نویس را در این اثر گردآوری و بازخوانی کرده‌اند. نخستین متن با عنوان «سلوک و سیرت زن» پیش از ۱۲۷۸ق نوشته شده است و ظاهراً به دلیل اهمیتش، پنج متن دیگر با عنوان‌های مختلف به تقلید از آن و در سال‌های مختلف

خشونت مشفقانه، روایتی از مردسالاری دوران ناصری؛ تصحیح روح‌انگیز کراچی؛ چاپ اول، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۹۴



بازنویسی و تولید شده است. آخرین متن تقلیدی از اثر در سال ۱۳۰۴ق، مفضل‌تر از دیگر متن‌ها نوشته و چاپ سنگی شده است.

درونمایه این متون اندرز و موضوع اصلی شیوه تربیت زن در جامعه مردسالار دوران ناصری است. مخاطبان این آثار زنان و دختران و هدفش تعلیمی است.

تکرار موضوع مشابه (تربیت و اندرز به زنان) در این شش متن، توجه مصحح (دکتر روح‌انگیز کراچی) را به چرایی تکرار و تولید این کتاب جلب کرده و درصدد پاسخگویی به آن، متن را از نظر تربیتی، ادبی و اجتماعی اندکی واکاوی کرده است: «این کتابچه به لحاظ ادبی ارزش چندانی ندارد، مگر اینکه سبک گفتاری و عوامانه و درهم‌آمیختگی سبکی یک متن مورد نظر باشد. به لحاظ دستورات تربیتی، شیوه‌ای ضد تربیتی دارد. به لحاظ جامعه‌شناسی تاریخی، اما بازتاب شرایط اجتماعی و فرهنگی دوران ناصری است، به خصوص در رابطه با اقتدار مرد و ناتوانی زن و ارتباط حاکم و محکومی میان زن و مرد در آن دوران که برای نسل‌های بعدی و شناخت تاریخ اجتماعی ارزشمند است.» (ص ۲۹)

در این کتابچه، اندرزدهنده علاوه بر انقاد از رفتار، اخلاق و عادت زن، با نصایح مشفقانه خود دستورهای مبنی بر اطاعت محض از همسر داده است و از زنان خواسته تا از خرافات، فال‌گیری، قهر، گله و غیبت دوری کنند و آنها را به تغییر شیوه لباس پوشیدن و رعایت آداب نظافت، غذا خوردن و خوابیدن و شیوه درست راه رفتن، نشستن و آرایش کردن تشویق کرده است.

زبان در این آثار نقش ترغیبی و حکمی دارد. ویژگی سبکی این آثار در سراسر متن به یک صورت نیست و آمیزه‌ای از سبک ادبی و سبک عامیانه است.

گزارش محتوای شش متن مجموعه

متن اول: از این رساله دو دست‌نویس با عنوان‌های متفاوت موجود است. نسخه متعلق به کتابخانه ملک با عنوان «آداب معاشرت نسوان» که نسخه کامل و معتبری است و با همین عنوان اساس تصحیح قرار گرفت و مؤلف آن ناشناخته است. عنوان نسخه کتابخانه مرعشی «سلوک و سیرت زن» است که در برگ چهارم این نسخه، نویسنده به تعبیر «شرحی در سلوک و رفتار زن» به آن اشاره کرده است.

نویسنده در این رساله در ظاهر با افکار متجددانه، اما بسیار واپسگرانه برای منافع زن اندرزی می‌دهد، حال آنکه از سنت ایرانی و فرهنگ فرنگی هر آنچه را به نفع خود اوست برگزیده و به زنان حکم می‌کند. در این کتاب آموزش نیز دوگانه است؛ از سویی به سبب تغییر سلیقه مرد ایرانی آرایش و بهداشت فرنگی توصیه می‌شود و از سوی دیگر آموزش اخلاق سنتی با خواسته‌های نابجا، مرد پسند، غیرمنصفانه و دور از تعقل و خرد مردانه همراه می‌شود. برای مثال: «اگر مرد دستش را بگیرد و در آتش بیندازد، آتش را گلستان داند و باغ و بستان شمارد و تمرد و تخلف از فرمان به یک نفس کشیدن باشد جایز نداند».

این نسخه پیش از ۱۲۷۸ق نوشته شده است و به لحاظ سبک نگارش قوی‌تر از دیگر نسخه‌هاست که به نمونه‌ای از آن اشاره می‌شود: «در شب یلدا که حد و پایانش ناپیدا، خود را مشغول کردن خواستم که مونس‌ی برای تنهاییم جویم، لایق‌تر از سیر اولوالالباب نجستم، مطالعه کتاب سرآمد و آفتاب بر نیامد و قصه به پایان رسید و صبح ندمید» و از صفحه ۱۴ نسخه خطی سبک نثر فرق می‌کند و از متن ادبی به سبک گفتاری دوره قاجاریه تبدیل می‌شود: «هرگز ابداً دست و صورت را چرب نکند. دده آشپز شدن چه خوبی دارد؟ ابداً چربی به خود نزدیک نکند.» (ص ۱۴۷)

متن دوم: «نصایح مشفقانه» که نام مؤلف آن خانلر میرزا احتشام الدوله ذکر شده و نگارنده کتاب به علت شباهت فراوان با دست‌نویس «آداب معاشرت و سلوک و سیرت زن»، تنها به تصحیح صفحه اول آن اکتفا کرده است.

که در تصحیح این دست‌نویس، رساله کتابخانه ملک اساس نسبی کار مصحح قرار گرفته است. نویسنده این رساله ناشناس است. نویسنده این نسخه کوشش کرده است تا با تقلید از نثر آهنگین سعدی در گلستان و به‌کاربردن آیه و حدیث و شعر امثال فارسی و عربی نثری به زیبایی او بنویسد، اما پس از چند صفحه، نثر به طور ناهماهنگی به نثر محاوره‌ای تبدیل شده است.

متن ششم: تأدیبات النسوان باکو نوشته فنلن و مترجم ابوالقاسم پسر مرحوم میرزا محمدخان شمس الشعراى سروش اصفهانی است. این نسخه به نوشته خود مترجم، ترجمه است، ولی ترجمه‌ای است که کمترین شباهت را با اصل کتاب فنلن دارد. افکار منعکس شده در این کتابچه به مرد ایرانی دوره ناصری تعلق دارد که شدیداً متأثر از فضای اجتماعی است و مضمون و درونمایه این نوشته تقلیدی از کتاب تأدیبات النسوان است. مترجم موضوع کتاب را دستاویزی قرار داده است تا افکار واپسگرای خود را بیان کند. این دست‌نویس به سبب عنوان مشابه «تأدیبات النسوان»، شباهت مضمون و پیروی از جریان اجتماعی به اصطلاح «تربیت زن» ارائه شد تا خواننده در فضای فکری مردان دوره ناصری قرار گیرد و رفتار اجتماعی مردان نسبت به زن و نوع روابط مرد و زن و احوال و روزگار زنان در ۱۶۰ سال پیش، بیش از پیش آشکار شود.

سخن آخر

نویسنده کتاب اولین و آخرین متن را به طور کامل آورده تا خواننده در جریان کامل شدن یک کتابچه و یک دیدگاه مردانه مورد قبول در آن زمان قرار بگیرد. به زعم نویسنده این هفت نسخه در مقایسه با کتاب‌های پیشین در همین موضوع محتوایی جدید دارند که در نتیجه تأثیر تحولات تاریخی، اجتماعی و فرهنگی دوره ناصری و گسترش روابط ایران با کشورهای غربی شکل گرفته است.

در تحلیل تشابه موضوعی این هفت نسخه خطی، مصحح کتاب، دلیل تولید و بازتولید این متون را تصادفی یا اتفاقی نمی‌داند و با طرح ضرورت زمانه از نگاه مردان و تأثیرپذیری و تأثیرگذاری نویسندگان از یک طبقه خاص اجتماعی، موضوع سرقت ادبی را در تشابه این رساله‌ها رد کرده است.

این دست‌نویس‌ها متنی تاریخی‌مند هستند که زمان مصرف آن دوره ناصری بوده و اکنون زمان آن گذشته است. اما تصحیح این نسخه‌ها هشدار و تلنگری است به جامعه‌هایی که هنوز روابط زن و مرد در آن سنتی، مردمحور و در مواردی غیرانسانی است.

متن سوم: رساله در بیان «احوال و خواتین زنان» که توسط محمدحسن خان معتضدالدوله (حشمت السلطنه) نوشته شده است. تغییراتی در آغاز متن دارد که همان بخش را مصحح تصحیح نموده است. این نسخه در کتابخانه ملی یافت می‌شود.

سبک نگارش متن دست‌نویس سوم نثر دوره قاجار است با ویژگی‌های ساختاری و زبانی که به نثری ساده و گفتاری نزدیک‌تر است. این دست‌نویس برخلاف تحریرهای دیگر تأدیبات النسوان که مقدمه‌ای ادیبانه را در سرآغاز دارد، با معرفی نویسنده و عذرخواهی از جسارت نگارش این تأدیبات‌نامه شروع شده و پس از آن، متن مشابهت کامل با هفت دست‌نویس دیگر دارد.

متن چهارم: نسخه «تأدیبات النسوا» نوشته میرزا محمدعلی بن علی نقی جوپاری الاصل است که نظیرهای است بر کتابچه نخست با اضافاتی از آیه و حدیث و تقسیم‌بندی ده‌گانه آن که صفحات متفاوت آن را خانم کراچی تصحیح کردند. این نسخه را در کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی می‌توان یافت. تفاوت این نسخه با سایر نسخ قبل از خود در آن است که مؤلف آن برخلاف سایر نسخه‌هایی که در این موضوع نگارش یافته، به صراحت خود را معرفی کرده و در ضمن این رونویسی تصرفاتی در آن کرده، از جمله افزودن حکایتی درباره حسن خلق ایباز غلام سلطان محمود غزنوی که در دیگر نسخه‌ها وجود ندارد. همچنین در عبارات و واژگان نسبت به نمونه‌های دیگر تأدیبات النسوان تغییراتی داده است. البته به سبب سرآغاز متفاوت آن، نمی‌توان آن را نسخه بدل تأدیبات النسوان فرض کرد. این رساله به علت مشابهت موضوعی با دو نسخه دیگر در همین کتاب با عنوان «تأدیبات النسوان و آداب معاشرت زنان» وجود دارد که مصحح به دلیل تفاوت بخش مقدمه آن، فقط مقدمه را آورده است.

متن پنجم: نسخه «تأدیبات النسوان» است که صورت کامل شده‌ای از کتابچه‌های فوق است با همان طرز فکر و مشابهت‌انگاری و تقلیدی با افزوده‌هایی چون تقسیم‌بندی کتاب به ده فصل که در بعضی از بخش‌ها به خصوص در مقدمه تغییرات فراوانی صورت گرفته است. این کتابچه یک بار در کتابی بانام «رویاری زن و مرد در عصر قاجار: تأدیبات النسوان و معایب الرجال» توسط دکتر حسن جوادی و دیگران در سال ۱۳۷۱ در آمریکا به چاپ رسیده است. در این بخش مصحح قصدش تصحیح مجدد آن نبوده است، بلکه هدفش نشان دادن چگونگی شکل‌گیری و کامل شدن یک ایده مردانه بوده است که به عنوان آخرین دست‌نویس به طور کامل تصحیح و به این کتاب افزوده شده است.

نمونه‌های این نسخه در کتابخانه ملی ملک، کتابخانه ملی با چاپ سنگی و مجلس شورای اسلامی با عنوان تأدیبات النسوان موجود است

تشیع: ریشه‌ها و باورهای عرفانی

اعظم حیدری عارف

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

اشاره

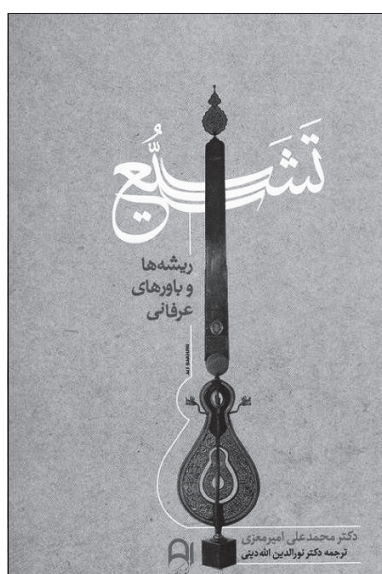
محمدعلی امیرمعزی در کتاب حاضر به ریشه‌ها و باورهای عرفانی در تشیع پرداخته است. هر مقاله بحثی مستقل دارد، اما در کنار هم، یک رشته از «جنبه‌های امام‌شناسی دوازده‌امامی» را تشکیل می‌دهند و در نظامی سامان یافته قرار گرفته‌اند. نویسنده با این چنین قصد دارد تا انسجامی را نشان دهد که به باور او، پیش از این، بازسازی آن درباره عقاید و رفتارهای مذهبی شیعه دشوار بوده است. مجموعه مقالات موجود در این کتاب، پیش از این، بین سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۵ در مجلات تخصصی و نشریات علمی اروپایی چاپ شده بود. متن اصلی مقالات به زبان فرانسوی بوده و به صورت کتاب نیز در دوره‌های (Textes et Traditions) از انتشارات «آزمایشگاه مطالعات ادیان توحیدی» چاپ شده است. ترجمه مقالات به زبان انگلیسی را مترجمانی چند برعهده داشته‌اند و چاپ آن با عنوان: (The Spirituality of Shi'I Islam) برعهده «فرهاد دفتری» و «مسئولان موسسه مطالعات اسماعیلی» در لندن بوده است. ترجمه متن به زبان فارسی را نیز با عنوان: «تشیع، ریشه‌ها و باورهای عرفانی» از روی همین نسخه انگلیسی، «نورالدین الله‌دینی» انجام داده و در نشر نامک مجموعاً در ۶۰۶ صفحه نخستین بار در سال ۱۳۹۴ چاپ شده است. روش نویسنده در این پژوهش پدیدار شناسانه است. در این روش پژوهشگر تلاش می‌کند تا بدون دخالت دادن فرضیه‌ها و تحلیل‌ها، صرفاً به جمع‌آوری و توصیف پدیده‌ها بپردازد و آنچه هست را توصیف کند.

گزارش محتوای فصل‌ها

فصل اول: مروری بر اصطلاح «دین علی» و سیری در سرچشمه‌های ایمان شیعی، ص ۲۳

در فصل اول به نام‌های شیعیانی اشاره شده که با نام «علی» ترکیب شده‌اند و در این میان، «دین علی» سبب کنجکاوای مؤلف شده و پرسش‌هایی را در ذهنش برانگیخته است: مگر «دین علی» با اسلام و با دین حضرت محمد تفاوت دارد؟ با توجه به اینکه «اسلام» و «دین محمد» هر دو به عنوان اسم به کار می‌روند، اصطلاح «دین علی» را چگونه باید توضیح داد؟ امیرمعزی بعدها این اصطلاح را در متون تاریخی اولیه نیز می‌یابد. این فصل کوششی است برای یافتن پاسخ به این پرسش قدیمی که این اصطلاح نمایانگر چیست؟ چگونه باید آن را تعبیر کرد؟ به طور خلاصه، باید گفت: «دین علی» هسته اولیه آن چیزی بوده که پس از آن «تشیع» نامیده شد.

تشیع: ریشه‌ها و باورهای عرفانی؛
محمدعلی امیرمعزی؛ تهران: نامک،
۱۳۹۴



فصل دوم: شهربانو، بانوی ایران زمین و مادر امامان: میان ایران پیش از اسلام و شیعه امامی، ص ۷۳

ازدواج امام حسین (ع) با شهربانو دختر یزدگرد سوم به شخصیت شهربانو به عنوان شاهزاده ساسانی و مادر امامان اهمیت ویژه بخشیده؛ زیرا او شیعه امامی را با ایران پیش از اسلام پیوند می‌زند. این فصل بر آن است تا منشأ، گسترش و پیامدهای احادیث و روایاتی را بررسی کند که بر شخصیت شهربانو تمرکز یافته‌اند. به طور خلاصه می‌توان گفت: نور ولایت حامل علم باطنی و فزّه مندی است که از راه نطفه از امامی به امام دیگر منتقل می‌شود و بدین ترتیب از حضرت علی بن حسین به بعد امامان حامل نور دوگانه‌اند؛ یکی نور ولایت که از حضرت علی و فاطمه و (بنابراین از حضرت محمد) منتقل گردیده و دوم «فزه» ایزدی از شاهان باستان ایران، توسط شهربانو.

فصل سوم: پژوهشی درباره الوهیت امام، ص ۱۳۹

در بعضی از متون پراکنده و درآمیخته با انبوه اخبار و احادیث متقدم شیعه، امام نه فقط به عنوان «انسان ربانی کامل» معرفی گردیده، بلکه به عنوان شخصی مقدس در اسماء، صفات و افعالی مشارکت کامل دارد که دانش کلام آن صفات را تنها مختص خداوند می‌داند. این «وجهه» امام با «انسان کیهانی» در سنن مذهبی و عرفانی خاور نزدیک و میانه که با نام‌های گوناگونی خوانده شده، همانندی‌های اساسی دارد. چنین به نظر می‌رسد که این مفهوم انسان کیهانی، از چند جهت پشتوانه و تصریح این تصور باستانی در عرفان اسلامی است.

فصل چهارم: وجود پیشینی امام، ص ۱۷۳

نویسنده در آغاز این فصل به اجمال به اصول عقیدتی تشیع دوازده امامی اشاره می‌کند که همه دور محور «چهارده معصوم» (ع) شکل گرفته است. این اشخاص مقدس تشکیل دهنده کلتی هستند که بنا بر باور شیعه، بازتاب کامل حقیقت خداوندی است؛ حقیقتی که در تجلی خویش دارای دو وجه است: اول، وجه آشکار یا بیرونی و ظاهری و دوم وجه درونی و باطنی. سپس می‌افزاید آغاز حکایت امام پیشینی، به چندین هزار سال پیش از آفرینش جهان بازمی‌گردد. در لامکانی به نام «أم الكتاب» خداوند شعاعی از نور خویش و سپس شعاع دومی از آن منشعب می‌سازد؛ شعاع نخست نور محمد است، نور نبوت، نور ظاهر. شعاع دوم همگون با نخستین و برخاسته از آن نورعلی است، نور امامت یا ولایت، نور باطن. این فصل به این مباحث و دیگر مباحث مرتبط اختصاص دارد.

فصل پنجم: امام در ملکوت: عروج و تعلیم راز، ص ۲۰۸

«کسی که منکر سه چیز باشد، شیعه ما نیست: معراج و سؤال قبر و شفاعت». طبق این حدیث و احادیث مشابهی که گزارش شده، باور به معراج آشکارا یکی از ارکان ایمان شیعه امامی است، اما معراج و شفاعت چه کسی؟ قدیمی‌ترین مجموعه‌های احادیث دوازده امامی، احادیث

فراوانی را روایت می‌کنند که در شکل‌های گوناگون به حضور امام در آسمان (ملکوت) اشاره دارند و از توان انجام کارهایی برخوردارند که طبیعتاً در توان نبی است و غیر از رسالت پیامبری، از همه حقوق و امتیازات ویژه نبی برخوردار است. در خصوص معراج، در تصور شیعه دوازده امامی، ماهیت تعلیمی یا رازآشنایی معراج به مراتب بیشتر مورد تأکید قرار گرفته تا جنبه دیداری و شهودی آن.

فصل ششم: دانایی توانایی است: تعبیرها و نهفته‌های معجزه در تشیع امامی قدیم، ص ۲۳۵

با توجه به احادیث یکی از چشم‌گیرترین ویژگی‌های امامان توان انجام دادن معجزات و چیرگی آنها بر نیروهای اسرارآمیز است. تشیع نخستین آن‌گونه که از کهن‌ترین منابعش برمی‌آید و همچنین در ادبیات ملل و نحل نویسی، بُعدی انکارناپذیر از معجزه‌گری روحانی ارائه می‌کند. معجزات حتی جنبه‌ای اساسی از تصویر شیعی، یعنی تداوم پیامبری (نبوت) از طریق ولایت را تشکیل می‌دهند. مؤلف کتاب در این فصل گزارشی در دو قسمت از پدیده معجزه و تطور آن در دوره شکل‌گیری شیعه دوازده امامی ارائه می‌کند: ۱. معجزات در میان امامان (ع) و ۲. معجزات در میان اطرافیان و نزدیکان امامان و در فضاهای شیعی.

فصل هفتم: نکته‌هایی در باب ولایت امامی، ص ۱۷۹

درک بهتر آنچه جوهره ایمان شیعی به طور عموم و امامیه به طور اخص است، در این فصل بررسی می‌شود؛ زیرا تشیع بر مفهوم ولایت متمرکز است و شیعیان خود را اهل ولایت می‌خوانند. ولایت از منظر فنی شیعی دارای سه معنی اساسی است که مکمل و وابسته به یکدیگر هستند. این معانی عبارتند از: ۱. امامت ۲. محبت و دوستی (عُلقه) به امام ۳. الإلهیات امام ماورای طبیعی. بنا بر تصور شیعی هدف نهایی شناخت خدا و پیامش، شناخت امام و دوستی و محبت به اوست که از طریق وحی به پیامبران نازل گردیده است و در همین نقطه است که «سفر بازگشت» آغاز می‌شود؛ شناخت و حُب امام، مؤمن را به سوی حقیقت رمزی هدایت می‌کند که چیزی جز وجه ظهوری خداوند نیست.

فصل هشتم: فقط مرد خدا انسان است: خدانشناسی و انسان‌شناسی عرفانی بر پایه تفسیر امامیه نخستین، ص ۳۲۹

در میان متون روایی امامان شیعه اثناعشری، سلسله احادیثی است که در آنها انسان‌ها به سه دسته تقسیم شده‌اند: ۱. معصومین (یعنی پیامبر اکرم (ص)، دخترش فاطمه (س) و امامان دوازده‌گانه ۲. مؤمنان ایشان (یعنی آنها که به امر امامان پیوستند) ۳. سایر انسان‌ها.

با توجه به احادیث مرتبط دیگر در حقیقت انسان‌های واقعی دسته اول هستند. در ادامه این فصل نخست به نگاه دوگانه شیعه به تاریخ

یا آخرت را نیز شامل می‌شود. واژه «معاد» به معنای حرکت به سوی نقطه آغاز است، از این رو فرضیه‌های بی‌شمار متکلمان، فیلسوفان و عارفان معمولاً این تصور رستاخیزشناسی را یا بازگشتی به منشأ هستی، یعنی خدا یا بازگشتی به هستی پس از مرگ یا رستاخیز می‌دانند. امیرمعزی معتقد است معادشناسی امامیه پژوهش‌های فراوانی را در پی داشته است، اما تاکنون هیچ پژوهش انتقادی به رابطه میان دو مفهوم مهم «آخر زمان» و «بازگشت به مبدأ» نپرداخته است. با وجود این به نظر او این رابطه نه فقط برای درک بهتر مفاهیم خاص مربوط به معادشناسی امامی و مهدویت، بلکه برای دریافت بهتر نقش مهم شخص امام بنیادی است.

فصل سیزدهم: گونه‌شناسی دیدار امام غایب، ص ۴۷۹

تعدادی از پژوهش‌های امیرمعزی به موضوع امام غایب و پیامدهای معنوی و فلسفی غیبت اختصاص دارد و با برداشتی کمابیش همچون استادش هانری گربن کوشیده است با رویکردی منتقدانه از یک سو تکمیل‌کننده مطالبی باشد که پیش‌تر گربن ارائه نموده است و از سوی دیگر به مشاهدات گربن، یعنی مبانی تاریخی عقیدتی او بازگردد. بنابراین تلاش مؤلف در این است که یک گونه‌شناسی از ملاقات با امام غایب در دوران غیبت انجام شود؛ روایاتی که برای بیش از هزار سال ایمان و امید مؤمنان را پایدار نگه داشته است. او بر این باور است که این گونه‌شناسی، تحول و تطور عقیده غیبت و نقش امام غایب را در ترازوی عرفان امامیه روشن‌تر می‌سازد و در عین حال تعیین می‌کند تا چه حد نظرات گربن قابل تأیید است.

فصل چهاردهم: غیبتی سرشار از حضور: تأویل شیخیه از

غیبت، ص ۵۱۳

این فصل به بررسی تأویل‌های معادشناسی مکتب کلامی عرفانی شیخیه کرمان، به خصوص عقیده مرکزی آنها «رکن رابع» اختصاص یافته است؛ آنجا که مؤمنان هم در ترازوی معنوی نفوذی به اهمیت نفوذ امامان و پیامبران دارند. ظاهر و باطن در تمام سطوح عقاید شیعه حضور دارد. تصور دریافت آنچه که پنهان است، بلافاصله «کشف المحجوب» را تداعی می‌کند که کانون تمام عرفان اسلامی است و تشیع آمیخته با عرفان، توصیف کاملی از ماهیت سلسله شیخیه است. در پایان کتاب نیز بخش کتابشناسی و فهرست اعلام آمده است.

پرداخته شده است. تاریخی که نبرد بین دو نیروی ناسازگار خیر و شر شاخص آن است: امام و پیروانش از یک سو و دشمنان امام و حامیان آنها از سوی دیگر، به ترتیب نماد این دو نیرو هستند. این نبرد پیش از خلقت دنیای مادی و به هنگام اولین درگیری بین سپاه عقل و جهل آغاز گردیده بود.

فصل نهم: مجاهد تأویل: شعری از ملاصدرا درباره علی (ع)،

ص ۳۶۱

این فصل با آوردن شعری از ملاصدرا درباره امام علی (ع) و تفسیر آن آغاز می‌شود؛ از آن رو که ملاصدرا با قرار دادن سنتی‌ترین تعبیر امامی از قرآن و احادیث و به‌ویژه حدیث مشهور «مبارز تأویل» در مبنای گفتمان خود، از شخص امام علی (ع) و از مبارزات ایشان و از مخالفان آن حضرت، چیزی کمتر از تأویل ارائه نکرده است. ملاصدرا آشکارا اعلام می‌دارد که علم توحیدی، چیزی جز علم بطون قرآن و حدیث نیست که ورای همه علوم است و وجود را دگرگون می‌سازد و بر مشاهده و مکاشفه مبتنی است.

فصل دهم: ملاقات با ائمه در عرفان معاصر دوازده امامی، ص

۳۸۹

خداوند دو ساحت وجودی دارد: یکی ساحت ذات که باطن خداوند است و هرگز شناخته‌شدنی و قابل دسترسی نیست و دیگری ساحت اسماء و صفات که همان وجه ظهورپذیر یا ظاهر او است. این سطح تنها سطح شناختنی خداوند است که با چشم دل و از طریق مشاهده حقیقت امام قابل «دیدن» است. از آنجا که امام غایب با صفت قائم (عج) شناسایی می‌شود، بعضی از عارفان توصیف ملاقات با امام را مقدمه بحث برای معادشناسی فرد مؤمنی دانسته‌اند که شایسته این افتخار بزرگ است. پژوهش حاضر در این فصل ضمیمه‌ای است بر پژوهش‌های پیشین که به جنبه‌های کلامی و عملی «دیدن با دل» در امامیه نخستین اختصاص داده شده بود.

فصل یازدهم: یادداشت‌هایی درباره دعا در شیعه امامی، ص

۴۲۵

دعا در اشکال متفاوتش، رایج‌ترین و جامع‌ترین نمونه عشق و دلبستگی شیعی است. در این فصل به دعا پرداخته شده و به‌طور مشخص با عناصر کمتر شناخته‌شده در ادبیات و بعضی از ابعاد و اشکال گوناگون دعا مثل توسل، استغاثه، دعا، دعای زیارت، موردی و به مناسبت خاص و غیره. در عرفان امامی، دعاکردن سالک مرتبط است با آنچه منابع نخستین «رؤیت بالقلب» «دیدن با/ در دل» نامیده‌اند.

فصل دوازدهم: آخر زمان و بازگشت به مبدأ، ص ۴۵۳

مسلمانان از معاد تصور پایان زندگی انسان و جهان را دارند که سایر جنبه‌های اصطلاح آخرالزمان مانند عاقبت، حشر، بعثت، قیامت،

فرهنگ لغات و اصطلاحات تاریخ و تمدن اسلام تا سال ۳۳۴ هجری

فاطمه کرم‌پور

کارشناس ارشد تاریخ ایران

فهم واژه‌های هر علم شاید اصلی‌ترین بخش یادگیری هر علم یا آگاهی باشد. تاریخ از آن دسته علوم انسانی است که واژگان اختصاصی زیادی از دانش‌های مختلف دارد و نیاز مورخ به فهم کلمات برای درک بیشتر رویدادهای تاریخی و تحلیلی آن لازم است. خواننده علاقمند به تاریخ گاهی با مراجعه به کتب لغت آنچه مربوط به فهم واژه است را درمی‌یابد، اما این روش همیشه کارساز نیست و گاهی کلمات پیچیدگی‌های دارند که یک عقبه تاریخی برای فهم آن نیاز هست.

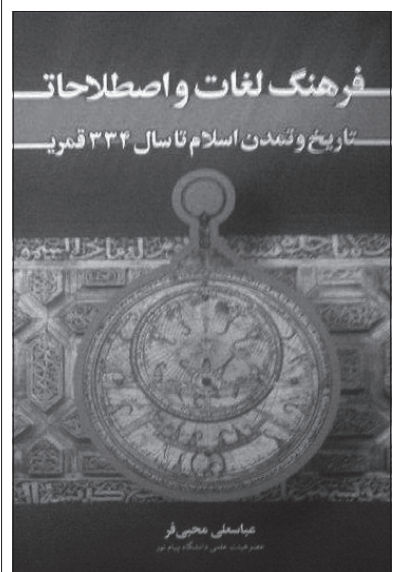
شاید همین دغدغه‌های مرسوم برای دانشجویان تاریخ و فرهنگ و تمدن بوده است که یکی از استادان دانشگاه پیام نور را بر آن داشته تا فرهنگی را جمع‌آوری کنند با موضوع فرهنگ و تمدن. کتاب فرهنگ و لغات و اصطلاحات تاریخ و تمدن اسلام تا سال ۳۳۴ هجری تألیف عباسعلی محبی فراس است که به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های دانشجویان تاریخ و تمدن، پاسخ‌های کوتاه و راهگشایی داده است.

نویسنده یک دوره تاریخی مشخص را از حدود ۱۵۰-۲۰۰ سال قبل از اسلام تا حدود ۳۳۴ هجری قمری مبنای زمانی خویش قرار داده است. برای فهم تاریخ صدر اسلام و جریانات سیاسی عصر پیامبر و خلفای راشدین، باید به پیشینه تاریخی اعراب دسترسی داشت؛ از این رو دانشجوی تاریخ باید معنای برخی لغات، مکان‌ها و اصطلاحات پرکاربرد این زمان را بداند.

محبی فردر کتاب خویش ۲۵۰۰ مدخل را بر اساس حروف الفبا مرتب کرده است. اعلام و مکان‌های جغرافیایی، جنگ‌ها، فرقه‌های مذهبی و نحله‌های فکری از موضوعات اصلی این فرهنگ است. علاوه بر این اصطلاحات دیوان‌سالاری و واژگان اقتصادی از اوزان و کیل هم بررسی شده است.

نویسنده در ابتدای کتاب فهرست الفبایی از موضوعات ارائه نداده است و کلمات بدون هیچ پیش‌آگاهی‌ای مرتب شده و در متن آمده‌اند. بهتر بود در انتهای کتاب نمایه موضوعی وجود داشت تا خواننده با سهولت بیشتری به لغات دسترسی پیدا کند؛ برای مثال نمایه اعلام، مکان‌ها، جنگ‌ها و مانند آن که به خواننده کمک بیشتری می‌کرد.

فرهنگ لغات و اصطلاحات تاریخ و تمدن اسلام تا سال ۳۳۴ هجری؛ عباسعلی محبی فر؛ مشهد: خانه آبی ۱۳۹۴



مقدمه‌ای روشن با اطلاعات کافی از شیوه انجام کار برای هر پژوهشی لازم و ضروری است. محبی فر در مقدمه کتاب خود روش کار خود را به روشنی توضیح نداده است. روش کار مؤلف در تعیین منابع نامشخص است و دلیلی هم برای استخراج لغات از کتب مذکور نیست که چرا برای مثال یک لغت از کتاب تاریخ طبری انتخاب شده است و آیا این منبع برای این واژه دارای اطلاعات جامع‌تری بوده است یا اولین بار این واژه در این کتاب به کار رفته است؟ آیا تقدم زمانی مهم بوده است یا اهمیت منبع مورد استفاده؟ شاید اگر مؤلف دلایل انتخاب منابع و شیوه ارجاع‌دهی را بیان می‌کرد، برای پژوهشگر رابطه بین منابع و انتخاب واژه مشخص می‌شد.

توضیحات نویسنده در پاره‌ای مدخل‌ها کافی نیست و به یک یا دو کلمه اکتفا شده و معنای واژه ابتر مانده است؛ مثلاً در مورد اسامی برخی از سال‌های صدر اسلام به تفصیل معنای لغوی آن سال و دلیل انتخاب آن نام را بیان کرده است، اما در معنای برخی نام‌ها فقط به سال آن اشاره شده است. برای مثال در توضیح واژه سنه الاستغلاب آورده است که سال هفتم هجری را می‌گویند و دلیل این نامگذاری را بیان نکرده است. سنه الاستغلاب را از آن جهت به این نام می‌خوانند که فتح خیبر و غلبه بر یهودیان روی داده است، اما در ادامه همین مطلب درباره واژه سنه التمحیص آورده است که سال سوم هجری را می‌گویند، اما توضیح کامل این است که این سال را از آن جهت سنه التمحیص خوانند که در آن جنگ احد روی داد و به معنای سال آزمون است.

برخلاف آنچه در روی جلد کتاب آمده از علم جغرافی به نام مکان‌ها اکتفا شده و از اصطلاحات سایر علوم به دلایلی که می‌بایست در مقدمه می‌آمده و نیامده چشم پوشیده شده است. بهتر می‌بود نویسنده دلیل این انتخاب و اهمیت واژگان انتخابی خود را برای خواننده در مقدمه توضیح می‌داد و شاید تعریف مشخصی از واژگان تخصصی تاریخ ارائه می‌داد تا خواننده بداند با چه کتابی روبه‌رو است و باید در این کتاب به دنبال چه چیزی باشد.

برخی ارجاعات کتاب نادرست است. برای مثال در صفحه ۶۸، ذیل مدخل تالار محاسبات: محل کار مستوفیان را از کتاب پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ج ۲، ص ۳۲ نوشته دکتر ولایتی ارجاع داده است که در کتاب و صفحه مذکور چنین مبحثی نیست. البته با توجه با اینکه زبان دیوانی در دوره عباسی عربی بوده است، خود این واژه کمی دور از ذهن به نظر می‌رسد.

نویسنده در مقدمه کتاب در مورد منابع مورد استفاده خود اشاره کرده است که منابع اصلی و برخی کتب جدید را مبنای کار خویش قرار داده است، اما دلیل این برتری برای انتخاب را حداقل در مورد کتاب‌های جدید بیان نکرده است، اینکه کتاب‌هایی مانند امامت پژوهشی اثر محمد یزدی مطلق و پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران اثر دکتر علی‌اکبر ولایتی چه برتری و ویژگی خاصی نسبت به آثاری از همین دست در حوزه تاریخ اسلام داشته‌اند که مؤلف این کتاب را به عنوان مرجع انتخاب کرده است یا ضعف‌های دیگر آثار پژوهشی در این زمینه چه بوده است. البته نگارنده معتقد است بهتر می‌بود که نویسنده در تمام متن از کتب منبع استفاده می‌کرد تا یک وحدت رویه مشخص دنبال می‌شد.